حماسه های بزرگ هند

انصاری، شریف

بروایات ناقدین و ادبای هند حکیم«ویاسا»شاعر مشهور و نویسنده«ودا»پسر حکیم‏ پاراسارا بود و حماسهء مهابهارا تا که بزرگترین و با ارزش‏ترین اثر ادبی هند و شاید هم تمام دنیای‏ قدیم شمرده میشود از قلم حکیم ویاسا آمد.وی بوسیله ریاضت و قدرت روحانی خودش جهانیان‏ را با تعلیمات ودا آشنا ساخته و سپس مهابهارات را تدوین کرد.این اثر عظیم فناناپذیر و مقدس‏ تنها مأخذ در زمینه خود میباشد که بجای مانده است.

بنابر روایات قدیم هند این‏طور استناد میشود که حکیم ویاسا در محضر برهمای فناناپذیر بحال مراقبه حضور داشت و از او درخواست کرد که در ایجاد این اثر عظیم به او کمک کند.

برهما حکیم را راهنمایی کرد که بمحضر الهه گنپتی gnnpati که مظهر علم است‏ برود و از او درخواست کمک کند.بنابر دستور برهما حکیم ویاسا از الهه گنپتی خواهش کرد و آن الهه بنوشتن حماسه مهابهارا تا آماده شود ویاسا سرودن داستان را آغاز کرد.این داستان‏ مثل سرنوشت تقدیر بر لوح سینه‏های خدایان نقش بست.سپس حکیم ویاسا برای پسر دانشمند و مریدان خود داستان را بیان کرد و بدین ترتیب این داستان سینه‏به‏سینه به نسل‏های بعد سپرده شد.

منظومه‏های مهابهارا تا ماجرای نبرد افراد وابسته به شاخه‏های خانواده سانتانو را که با یک‏ دیگر سر مخالفت داشتند،بیان میکند.

هستهء حماسی این داستان بدین قرار است:تخت و تاج«کوروها»که مقر حکومت آن‏ شهر«هستیناپور Hastinapura بود به دهریتاراشترا رسید و چون دهرتیاراشترا نابینا بود ناگزیر برادر کوچک او«تاندو»زمام شهریاری را بدست گرفت.پاندو نیز به چندین علت از پادشاهی دست کشید و به همراهی دو همسر خود،در خلوتگاهی واقع در هیمالیا معتکف شد و برادر نابینای خویش را به سلطنت برگماشت.پس از درگذشت پاندوا پنج فرزند او که کودکانی بیش نبودند به شهر«هیتناپورا»فرستاده شدند تا به پشتیبانی عمو تاجدارشان فنون‏ جنگی را فراگیرند.

شاهزادگان این هردو خانواده در یک حرم‏سرا بزرگ شده بودند ولی شاهزادگان‏ پاندوا در برابر شاهزداگان کوروا مشخص‏تر از همه بودند و این امر موجب حسادت شد.سلطان‏ پاندوا دنیا را بدرود گفت و دیترناراشته با وجود نابینا بودن خود به تخت سلطنت جلوس‏ کرد و تصمیم گرفت برادرزاده خود یعنی هشتیرا را بعنوان وارث تخت سلطان تعیین نماید هشتیرا با صفات رحمانی و صداقت و حسن سلوک خود میتوانست دل رعایا را بدست بیاورد.

چون هشتیرا بسن بلوغ رسید و خواست که عنان سلطنت را با فرمان عمویش بدست بگیرد فرزندان وریتاراشترا به او رشک بردند و قصد هلاک او کردند و حیله‏ها نمودند و دسیسه‏ها چیدند پنج برادر«پاندو»که از این شوروشر تن به سلامت برده بودند بر آن شدند که این سرزمین‏ شوم را ترک گویند.پس به دربار پادشاه«پانجالا panchala پناه بردند و در آنجا مستقر شدند.

آرجونا در مسابقه بزرگ تیراندازی سویمبر چیره‏دستی و مهارت شگرفت خود را برور دارد و کمان تسخیرناپذیر«پانچالاها»را خم کرد و در تیراندازی مقام اول را احراز نمود و دختر پادشاه«ورویدی»را همچون پاداش به ارجونا اهدا کردند.شاهزادگان،درویدی را با خود بردند-هنگامی که پنج برادر با پیروزی بدیار خود بازگشتند مادرش که باخبر شده‏ بود که فرزندانش برنده مسابقه شده‏اند ولی اطلاعی نداشت که جایزه مسابقه چیست به‏ فرزندان خود اظهار داشت که باید جایزه را بین خود تقسیم کنند به این ترتیب بود که برای‏ رعایت گفته مادر و اطاعت از او،درویدی همسر پنج برادر شد.

موضوع چندشوهری که منحصرا در ادبیات هند دیده میشود و از سوئی با قوانین و سنن و آداب‏ هندی هم مخالف است از اینجا بوجود آمد ناقدان چنین توجیه میکنند که پاندو اهل منطقه‏ای بودند که‏ در تبت قرار داشت که در آن دیار داشتن چند شوهر امری مغایر سنن و آداب و آئین آن کشور نبود. تعبیر دیگری برای این امر اینست که پنج برادر،تجسم پنج خدا یا نیروی خدایی هستند و این ازدواج فقط تکمیل ضابطه بود.این جشن ازدواج در پیشگاه بهگوان کریشنا برگزار شد.

کریشنا مظهر محبت و خوشبختی است که نابودکنندهء اندوه و رنج است.کلمه‏ کریش krs بمعنی کشش،جذبه و رنج دادن آمده و غرض از آن کشمکش و نزاع عصر تاریکی اس‏ کافیست که نام کریشنا در ذهن عبادت‏کنندگانش متجلی شود تا اینکه این نام جمله رنج‏هائی را که‏ از عصر تاریکی پیدا شده‏اند محو گرداند.